

### پیام گزیده‌ها

\* هیچ کس راه گم کرده تر از مردمی نیست که به خداهای خیالی روی نیاز آورده‌اند؛ خداهایی که هیچ کاری از شان بر نمی‌آید بلکه حتی صدای آن‌ها را هم نمی‌شنوند. (آیه ۵)

\* کسانی که خویش را به خدا می‌سپارند (او را در همه مسائل زندگی خود حاکم می‌گیرند) و بر این روش خود پافشاری می‌کنند، ترس و اندوه سراغشان نمی‌آید. (آیه ۱۳)

\* به کسانی که حقیقت را فهمیدند اما از آن چشم پوشی کردند وقتی با آتش روبه‌رو می‌شوند گفته می‌شود: به خاطر چشم پوشی از حق و نافرمانی خدا نتیجه کارهای خیری که گاهی انجام داده بودید در همان زندگی دنیا گرفتید و حالا باید عذاب ببینید. (آیه ۲۰)

\* به بعضی از اقوام امکانات فوق العاده‌ای دادیم که به شما ندادیم. آن‌ها گوش و چشم و قلب‌هایی قوی داشتند اما چون به نشانه‌هایی که خداوند قرار داده است بی‌اعتنا بودند، این امکانات نتوانست آن‌ها را از نیازهایشان بی‌نیاز کند. (آیه ۲۶)

\* وقتی که انسان‌ها به آن روز وعده داده شده یعنی قیامت می‌رسند و به پشت سر خود نگاه می‌کنند انگار فقط لحظه‌ای در دنیا به‌سر برده‌اند. با این حساب کسانی که خدا را نافرمانی می‌کنند به سعادت ابدی نمی‌رسند. (آیه ۳۵)

سوره احقاف با حروف مقطعه و اشاره به منشاء وحیانی قرآن آغاز می‌شود و به تشریح موضع بی‌بنیاد و غیرعقلانه کفر (پرستش خداهای ناتوان) و گفت‌وگوهای مجادله‌آمیز کفار با مومنین خصوصا حضرت رسول ﷺ می‌پردازد. سپس سراغ بندگان استوار خدا می‌رود و از این جا با پیش کشیدن رفتار مناسب با پدر و مادر به بیان رفتارها، حالت‌ها، و عاقبت انسان‌های مومن و در مقابل، کسانی که عقیده و رفتارشان به ضررشان تمام می‌شود، اشاره می‌کند. در همین قسمت از سوره، درباره نتایج اعمال و درجه‌بندی بودن آن حرف های مهمی وجود دارد. پس از این به قضیه حضرت هود و اتمام حجتش با عاد در سرزمین احقاف و درس هایی که در آن وجود دارد می‌رسیم که بلافاصله با هشدار به مخاطب فعلی پیوند می‌خورد که «آن‌ها از شما توانا تر بودند اما همه چیز را خراب کردند». در بخش بعدی از جن‌هایی سخن گفته می‌شود که قرآن را شنیدند و دیگر اجنه را هم از راه درستی که یافته بودند با خبر کردند. سوره احقاف با یادآوری خلقت آغازین انسان استدلال می‌کند: کسی که مخلوقات را برای بار اول آفرید، زنده کردن مرده آن‌ها برایش کاری ندارد. در پایان سوره تصویری از کفار ترسیم می‌شود که هنگام عذاب به حقیقت اعتراف می‌کنند و سپس دعوت حضرت رسول ﷺ است به صبر و هم‌چنین وعده نابودی و نکبت برای بدکاران.

### ختم کلام

اگر کسی دین و ایمانی نداشت و بی‌خیال تکالیف دینی شده بود، از اتفاق روزگار کار خیری هم انجام داد، خداوند کار خیرش را بی‌پاداش می‌گذارد؟ تفسیر آیه ۲۰ احقاف وضعیت آن‌ها را روشن می‌کند. خدا کار خیر هیچ کس را نادیده نمی‌گیرد اما بالاخره باید بین کسی که آخرت و دین و خدا و پیغمبری می‌شناسد و کسی که از هفت دولت آزاد است فرقی باشد. فرقی همین است که آدم کافر نتیجه کارهای خیرش محدود به همین دنیا می‌شود همان طور که فکر و نیت خود آن آدم محدود به همین جا بوده است. بر اساس برخی روایات از ائمه معصوم گاهی حتی نتیجه عمل خیر نه در زمان زندگی خود فرد بلکه در نسل های پس از او پدیدار می‌شود ولی به هر حال دردی از آن دنیایش دوا نمی‌شود. در آدم مومن کارهای خیر از مرز دنیا می‌گذرند و چنان که می‌دانید چه بسیار وقت‌ها که خداوند از نتیجه دنیایی کارهایش بر می‌دارد و می‌گذارد به حساب آن دنیا. این آیه سوره احقاف ظاهرا آیه عذاب و انذار است اما دقت که بکنید در می‌یابید برای اهل ایمان نسیم رحمتی دارد که می‌تواند تمام زندگی فرد را در بر بگیرد. با حکومت این فلسفه و نگاه متری بر اندیشه‌هایمان زندگی، داشتن و نداشتن و بقیه قضایا شاید معنای دیگری به خود بگیرد.

# این انکار گران تمام می‌شود

محمد حسین شیخ شعاعی

گزارشی از سوره مبارکه احقاف

تمام می‌شود

